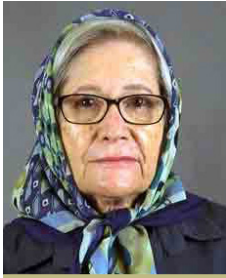


اضطراب و افسردگی بعد از پاندومی

بر کسی پوشیده نیست که بیماری کرونا توانسته همه کشورهای جهان را با مشکلات بسیاری مواجه کند. مسائل و بیماری‌های روانی نمونه‌ای از مشکلاتی است که جوامع بشری با آن دست و پنجه نرم می‌کنند. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد این پاندومی توانسته سطح اضطراب و افسردگی و حتی خودکشی را در میان افراد جامعه افزایش دهد. نکته مهم دیگری که در بحث مشکلات روانی باید به آن پرداخته شود و در این ایام شدت افزایش یافته مسئله سوگ از دست دادن عزیزان است؛ چراکه افرادی که عزیزی را از دست داده‌اند در تنهایی سوگواری می‌کنند و دیگر مانند گذشته حضور دوستان و آشنایان التیام بخش روح دردمند آنها نیست. در حقیقت مشکلات روانی موضوعی است که می‌تواند آثاری ماندگار در زندگی انسان‌ها بر جای بگذارد. از این‌رو اگر برای این موارد چاره‌اندیشی نشود و برای رفع و التیام آنها بسرعت برنامه‌ریزی دقیق و اقدام لازم صورت نگیرد در دوران بازگشت به زندگی عادی با مشکلات روانی عمیق و غیرقابل جبران روانی مواجه خواهیم شد. روان درمانی و مشاوره دقیق توسط متخصصان می‌تواند مانع بروز بحران پس از کرونا باشد.



مینو محرز
عضو کمیته علمی ستاد
ملی مبارزه با کرونا

داشت، شدت تحت تأثیر قرار داد؛ از جمله رویداد المپیک [توکیو ۲۰۲۰] با این پاندومی به تعویق افتاد.

در واقع کرونا آن وجه بیرونی مدرنیسم را که همه برای آن تلاش می‌کردند به چالش کشید و بازگشت به خانه را تدارک دید و ما شاهد آن هستیم که بسیاری از مراکز توریستی و هتل‌ها و رستوران‌ها و... خالی مانده‌اند. توصیه و تأکیدهای همیشگی مبتنی بر حضور انسان‌ها در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برعکس شد، چرا که حیات و زندگی از هرچیز دیگری مهمتر بود.

بحث «مرگ‌اندیشی» و «فلسفه مرگ» که در دنیای مدرن اغلب به حاشیه می‌رود، دوباره احیا شد. میراث دیگر کرونا، مرگ‌های جمعی و مرگ‌هایی است که در آن امکان اظهار عواطف عمومی و سوگواری نیست.

بر اساس آمار رسمی مراکز جهانی، در یک سال گذشته، یک اقتصاد جهان ۲۵ درصد کوچک شده و تبعات بسیاری از جمله بیکاری داشته است، اما در عین حال در همین شرایط شاهد بودیم که گاه غم نان بر جان آدمی اولویت پیدا کرد و مرگ و میرهای جدی در جهان اتفاق افتاد. کووید ۱۹ از طرفی دنیایی را که می‌گفتند در آینده تعمیم پیدا می‌کند و تکوین می‌شود، به یکباره به دنیای مجازی و سایبری پرتاب کرد و همه جامعه از دنیای واقعی به سوی آموزش مجازی، ارتباطات مجازی و گردشگری مجازی رفتند؛ و دنیای سایبری شدت توانست در این دوره خودش را ترمیم کند و این دنیا، دنیای عظیم‌تر و گسترده‌تری شود و شبکه‌های بزرگ اطلاع‌رسانی، نقش اصلی را پیدا کردند. آنها جایگزین دیدارها و گعده‌ها و روابط خانوادگی شدند. میراث دیگر کرونا انجام بسیاری از فعالیت‌ها در قالب مجازی و دورکاری بود که باعث شد بسیاری از رفت و آمدها کاهش یابد.

بی‌گمان پس از کرونا در نوع نگاه جامعه‌شناسان، مورخان، مردم‌شناسان و فلاسفه درباره مسائل مختلف از جمله مرگ و زندگی تحول عمده‌ای ایجاد خواهد شد. نکته آخر اینکه احتمال این وجود دارد که ما با «دنیای پساکرونا» دیگر روبه‌رو نشویم و کووید ۱۹ به کوید ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و... ارتقا یابد؛ در واقع کرونا جهان امروز را مانند همه پاندمی‌ها و اپیدمی‌ها با تحولات جدی روبه‌رو کرده است و در آینده نیز جهان با تحولات بیشتری روبه‌رو خواهد شد.

کرونا «زیست مدرن» را به چالش کشید

«پاندمی‌ها» بیماری‌هایی با فراگیری جهانی اما «اپیدمی‌ها» بیماری‌هایی با گستره جغرافیایی کمتر هستند. اساساً وقتی به سابقه بیماری‌های مسری می‌نگریم، درمی‌یابیم که «جهان پساپاندمی» با «جهان پیشاپاندمی» تفاوت‌های جدی دارد. این وقایع تأثیرات جدی بر نظام‌های معرفتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌گذارند.

با بررسی تاریخچه «پاندمی‌ها» درمی‌یابیم که پاندمی‌ها اساساً منشأ تحولات بسیار بوده‌اند، به طور مثال پس از پاندمی «طاعون سیاه» که در قرن چهاردهم در اروپا رخ داد و حدود نیمی از مردم اروپا را از بین برد، ما شاهد یک تغییر بزرگ و دگرگونی جدی بودیم و آن اینکه جامعه اروپا از «نظام فئودالی» به «نظام بورژوازی» رسید؛ در واقع در میانه پیشاطاعون و پساتاعون یک تحول بزرگ شکل گرفت و آن «تغییر نظام‌های اجتماعی» بود که با خود صدها تغییر دیگر ایجاد کرد.

در ایران نیز در اواخر دوره ناصری، ما با «اپیدمی وبا» روبه‌رو شدیم که کشتار بسیاری داشت. این اپیدمی هم یکی از عوامل مؤثر در تغییر نظام‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود که در تاریخ از آن با عنوان «مشروطه» یاد می‌کنیم که در نهایت نظام مطلقه سلطنتی را به نظام مشروطه بدل کرد.

کرونا هم در جایگاه یکی از مهم‌ترین پاندمی‌ها با گستره جهانی، بسیاری از بنیادهای مسلم را به چالش کشید، به عنوان مثال عرصه «دانش» و توانمندی‌های آن را که به بت دوران جدید بدل شده بود با پرسش‌های اساسی مواجه کرد؛ کرونایی که حداکثر حجم منتشر شده‌اش در جهان در حد یک قاشق چایخوری است «جهان دانش» در برابر آن به زانو درآمده است، حتی در کشورهایی مثل آمریکا و انگلستان که مهد دانش نوین هستند بعد از گذشت یک سال هنوز به یک واکسن اطمینان‌بخش یا شیوه‌ای مطمئن دست پیدا نکرده‌اند که به کاهش مرگ و میر بینجامد.

با توجه به اینکه «زیست مدرن» اغلب با نمایش و حضور در عرصه‌های عمومی تعین پیدا می‌کند، پاندمی کرونا حتی زیست مدرن را هم به چالش کشید؛ به این معنا که گردشگری، تئاتر، موسیقی، فعالیت‌های ورزشی و دیگر فعالیت‌های اجتماعی ما را که شکل و بروز بیرونی



غلامرضا ظریفیان
استاد دانشگاه

